



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی شیراز



تبیین عوامل و موانع ایجاد اشتغال در بخش های

مختلف اقتصادی

گزارش تحلیلی اقتصادی و اجتماعی

گزارش شماره ۰۴ - سال ۹۶

تهیه شده در دفتر مطالعات اقتصادی و اجتماعی

گزارش

کد مدرک: SCCIM-FR-009-00

تاریخ:

موضوع گزارش:

تبیین عوامل و موانع ایجاد اشتغال در بخش های مختلف اقتصادی

تاریخ ارائه گزارش:

۹۶/۰۴/۲۷


تنظیم کننده:

نجمه ایزدی

۱- مقدمه

فراهم سازی فرصت های شغلی برای نیروی کار به صورت حادث ترین موضوع پیش روی سیاست گذاران ایران قرار دارد. طی دهه های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ ایران شاهد نرخ های بالای رشد جمعیت بود که متوسط آن به ۳ تا ۴ درصد در سال بالغ می شد. این نرخ رشد را می توان ناشی از نرخ های بالای زاد و ولد (بیش از ۲ برابر متوسط جهانی)، کاهش شدید در نرخ مرگ و میر نوزادان از سال های ۱۳۵۰ و افزایش امید به زندگی دانست. آمارهای بازار کار نشان از بیکاری حدود ۲,۷ میلیون نفری نیروی کار در پایان سال 1394 دارد که اگر شاغلان ناقص به آنها اضافه شود ۴,۸ میلیون نفر از جمعیت کشور درگیر مسئله بیکاری و اشتغال ناقص هستند. بیشترین نرخ بیکاری هم مربوط به فارغ التحصیلان دانشگاهی می باشد. در پایان سال 1394 نرخ بیکاری 11 درصد، نرخ بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی ۱۸,۵ درصد، نرخ مشارکت کل کشور ۳۸,۲ می باشد. در طول سالهای 1384 تا 1394 نیز تنها ۱,۴ میلیون نفر به جمعیت شاغل اضافه شده درحالی که در این دوره ۶,۵ میلیون نفر به جمعیت در سن کار اضافه گردیده است.

در شرایط کنونی ساختار جمعیتی خاص ایران و عرضه نیروی کار از یک سو و عدم تکافوی فرصت های شغلی موجود و نیز فقدان امکانات متناسب با ویژگی ها و نیازهای نیروی کار از سوی دیگر، بیکاری را به عنوان مهم ترین چالش اقتصادی و اجتماعی ایران در آورده، به طوری که متغیرهای اقتصادی و اجتماعی دیگر را نیز تحت تاثیر خود قرار داده است. پیامد اقتصادی و اجتماعی عدم تعادل در بازار کار منجر به هزینه های سنگین ناشی از پیامدهای بیکاری از قبیل انواع و اقسام ناهنجاری های اقتصادی مانند شیوع فقر و آسیب های اجتماعی مانند افزایش بزهکاری، جرم و افزایش نرخ طلاق گردیده است. شرایط بازار کار نشان می دهد که تداوم وضع موجود به تنهایی می تواند مخاطره آمیز باشد و اتخاذ سیاست های اشتغال زایی مناسب برای اجتناب از مشکلات اقتصادی - اجتماعی احتمالی ضروری است.

کد مدرک: SCCIM-FR-009-00	<b>گزارش</b>	اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی شیراز 
تاریخ:		

## ۲- مفاهیم

کار: آن دسته از فعالیت های اقتصادی (فکری و بدنی) که به منظور کسب درآمد (نقدی و یا غیرنقدی) صورت پذیرد و هدف آن تولید کالا یا ارائه خدمت باشد، کار محسوب می شود.

جمعیت فعال اقتصادی: تمام افراد در سن کار یعنی جمعیت ده ساله و بیشتر (یا 15 ساله و بیشتر) که در هفته تقویمی قبل از هفته آمارگیری (هفته مرجع) طبق تعریف کار، در تولید کالا و خدمات مشارکت داشته (شاغل) و یا از قابلیت مشارکت برخوردار بوده اند (بیکار) جمعیت فعال اقتصادی محسوب می شوند.

جمعیت غیرفعال اقتصادی: تمام افراد ده ساله و بیشتر که در طول هفته مرجع طبق تعریف، در هیچ یک از دو گروه شاغلان و بیکاران قرار نمی گیرند، جمعیت غیرفعال اقتصادی محسوب می شوند.

جمعیت خارج از نیروی کار: تمامی افراد 9 - 0 ساله جمعیت خارج از نیروی کار محسوب می شوند.

جمعیت شاغل: تمام افراد ده ساله و بیشتر (یا 15 ساله و بیشتر) که در طول هفته مرجع، طبق تعریف کار، حداقل یک ساعت کار کرده و یا بنا به دلایلی به طور موقت کار را ترک کرده باشند، شاغل محسوب می شوند. شاغلان به طور عمده شامل دو گروه مزد و حقوق بگیران و خوداشتغالان می شوند. ترک موقت کار در هفته مرجع با داشتن پیوند رسمی شغلی، برای مزد و حقوق بگیران و تداوم کسب و کار برای خوداشتغالان به عنوان اشتغال محسوب می شود.


افراد زیر نیز به لحاظ اهمیتی که در فعالیت اقتصادی کشور دارند، شاغل محسوب می شوند:

۱- افرادی که بدون دریافت مزد برای یکی از اعضای خانوار خود که با وی نسبت خویشاوندی دارند کار می کنند (کارکنان فامیلی بدون مزد)

۲- کارآموزانی که در دوره کارآموزی فعالیتی در ارتباط با فعالیت مؤسسه محل کارآموزی انجام می دهند یعنی مستقیماً در تولید کالا یا خدمات سهم هستند و فعالیت آنها کار محسوب می شود.

۳- محصلانی که در هفته مرجع دارای کار بوده اند.

۴- تمام افرادی که در نیروهای مسلح به صورت کادر دائم یا موقت خدمت می کنند

کد مدرک: SCCIM-FR-009-00	<b>گزارش</b>	اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی شیراز 
تاریخ:		

بیکار: بیکار به تمام افراد ده ساله و بیشتر (یا 15 ساله و بیشتر) اطلاق می شود که:

- ۱- در هفته مرجع فاقد کار باشند (دارای اشتغال مزدبگیری یا خوداشتغالی نباشند)
  - ۲- در هفته مرجع یا هفته بعد از آن آماده برای کار باشند (برای اشتغال مزدبگیری یا خوداشتغالی آماده باشند)
  - ۳- در هفته مرجع و سه هفته قبل از آن جویای کار باشند (اقدامات مشخصی را به منظور جستجوی اشتغال مزدبگیری و یا خوداشتغالی به عمل آورده باشند)
  - ۴- افرادی که به دلیل آغاز به کار در آینده و یا انتظار بازگشت به شغل قبلی جویای کار نبوده، ولی فاقد کار و آماده برای کار بوده اند نیز بیکار محسوب می شوند.
- نرخ مشارکت اقتصادی: عبارت است از نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ده ساله و بیشتر (یا 15 ساله و بیشتر) به جمعیت در سن کار، ده ساله و بیشتر (یا 15 ساله و بیشتر) ضرب در 100
- نرخ بیکاری: عبارت است از نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ضرب در 100
- نرخ اشتغال: عبارت است از نسبت جمعیت شاغل به جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ضرب در 100
- نسبت اشتغال: عبارت است از نسبت جمعیت شاغل ده ساله و بیشتر (و یا 15 ساله و بیشتر) به کل جمعیت ده ساله و بیشتر (و یا 15 ساله و بیشتر) ضرب در 100

### ۳- آسیب شناسی اشتغال و ارائه راهکارها

به طور کلی بازار کار ارتباط تنگاتنگی با تحولات سایر بخش ها و بازارهای یک اقتصاد دارد. بی ثباتی اقتصاد کلان، شرایط نامساعد محیط و کسب و کار و نظام بنگاه داری، تحولات روابط تجاری و منطقه ای، ضعف های نظام تأمین مالی، تغییر قوانین و مقررات، سیاست های مالی و شرایط بودجه ای دولت و بسیاری دیگر از ابعاد و حوزه های سیاست گذاری یک اقتصاد و حتی تحولات سیاسی کشور چه در بعد داخلی و چه در بعد روابط خارجی، در نهایت اثر خود را بر بازار کار نمایان می سازد و برآیند این تحولات بر میزان اشتغال و بیکاری اثرگذار خواهند بود. از سوی دیگر کاهش اشتغال و افزایش بیکاری بر تحولات فقر، افزایش جرم و ناامنی، ناآرامی های سیاسی و مسائل اجتماعی مانند طلاق، اعتیاد و سلامت روانی جامعه اثرگذار است.



## گزارش

کد مدرک: SCCIM-FR-009-00

تاریخ:

عوامل متعددی در ایجاد اشتغال مؤثر هستند که از آن جمله می توان به رفع موانع تولید و سرمایه گذاری، کاهش ریسک سرمایه گذاری از طریق فراهم کردن امنیت بیشتر برای سرمایه گذاری بخش خصوصی، آزادسازی اقتصادی و گسترش بازار کالاها و خدمات از طریق تعامل اقتصادی بیشتر با دنیای خارج و نیز فراهم کردن انگیزه بیشتر برای بکارگیری نیروی کار از طریق کاهش هزینه های اشتغال و همچنین تقویت ارتباط بین آموزش های دانشگاهی و پیش از دانشگاه با نیازهای بازار کار از طریق مهارت آموزی متقاضیان شغل اشاره کرد.

## ۳-۱- فضای کسب و کار

یکی دیگر از عوامل مؤثر در ایجاد اشتغال، بهبود فضای کسب و کار در کشور می باشد. برای حمایت از تولید در کشور باید به جای کمک مستقیم مالی به برخی از تولیدکنندگان، محیط کسب و کار مناسبی را برای همه آنها ایجاد کرد. از مؤلفه های محیط کسب و کار مناسب، محیط اقتصاد کلان با ثبات است. محیط اقتصاد کلان با ثبات به کارآفرینان امکان برنامه ریزی و اطمینان و در نهایت رشد و توسعه آنها را می دهد و محیط اقتصاد کلان بی ثبات سبب افزایش ریسک و قیمت تمام شده محصولات و در نهایت شکست و تغییر ماهیت آنان می شود. حمایت مستقیم از تولید اغلب نه تنها موفقیت آمیز نیست، بلکه به احتمال زیاد به ضد هدف خود تبدیل می شود.

در دوره های رونق اقتصادی ایجاد کسب و کارهای جدید افزایش و در دوره های رکود این متغیر کاهش می یابد. محیط اقتصاد کلان با ثبات سبب توسعه کارآفرینی مولد و توسعه شرکت ها می شود. محیط اقتصاد کلان با ثبات، نااطمینانی کارآفرین مولد را نسبت به آینده کاهش و سرمایه گذاری بخش خصوصی را افزایش می دهد. ثبات در سیاست های پولی و مالی، بهره برداری از فرصت های کارآفرینانه را تشویق می کند زیرا ثبات اقتصادی اعتماد به نفس بیشتری به افراد در اتخاذ تصمیمات کارآفرینانه شان می دهد. وقتی تورم بالا باشد و افراد انتظار ثبات اقتصادی یا پولی را نداشته باشند، سرمایه گذاری در فرصت های کارآفرینانه را دشوار می یابند. از آنجایی که کارآفرینان باید در یک دوره زمانی منابع لازم را کسب کنند و محصولات خود را در دوره زمانی دیگری به فروش برسانند، شرایط اقتصادی بی ثبات، تصمیم گیری در رابطه با وضعیت آینده را دشوار می سازد؛ حتی ارزشمندترین فرصت های کارآفرینانه تحت تأثیر نیروهای اقتصاد کلان ممکن است از بین بروند. شواهدی از جوامعی که شرایط تورم افسار گسیخته و بی ثباتی اقتصادی را تجربه کردند، این استدلال را تأیید می کنند. اکثر جوامعی که این شرایط اقتصادی را دارند، کاهش شدید در ایجاد کسب و کار و سایر فعالیت های کارآفرینانه را تجربه می کنند. آسیب ناشی از بی ثباتی نرخ ارز واقعی برای کارآفرینان و کسب و کارها بسیار شدید است. کارآفرینان برای راه اندازی

یک کسب و کار بر اساس قیمت های نهاده و محصولشان برنامه ریزی می کنند، اما بی ثباتی نرخ ارز واقعی سبب می شود که تمام برنامه های تولید کارآفرینان با مشکل مواجه شود. در این شرایط کسب و کارهای خرد و کوچک به راحتی از بین می روند و احتمالاً با ضرر مجبور به تعطیل کردن کارگاه خود می شوند. اما کارآفرینانی که از بنیه مالی بالاتر برخوردارند یا به رانت های اطلاعاتی و بانکی و غیره دسترسی دارند احتمالاً تا زمان رها شدن فنر نرخ ارز اسمی می توانند شرایط را تحمل کنند. در این فرآیند برخی دیگر هم تغییر ماهیت می دهند بدین گونه که از تولیدکننده و صادرکننده به مونتاژکننده و واردکننده تبدیل می شوند.

مسئله دیگر در ارتباط با محیط اقتصاد کلان کشور رویه کلی قوانین و سیاست های پیشنهادی جهت اشتغال زایی، تزریق منابع مالی و ایجاد حجمی از تعهدات مالی بر دوش دولت و سیستم بانکی بوده که در این زمینه اولویت بندی مشخصی در ارائه تسهیلات به بنگاه های اقتصادی و همچنین نظارت ناکافی بر نحوه مخارج منابع تزریق شده وجود نداشته است. بنابراین لازم است که سیاست گذاران و به خصوص قانون گذاران توجه داشته باشند که با تزریق پول و منابع مالی به تنهایی نمی توان شغل ایجاد کرد و پراکندگی سیاست گذاری ها و مقررات گذاری ها در حوزه بازار کار بدون وجود رویکرد کلان و جامع کشور در این زمینه، در نهایت به تعارض سیاست ها و مقررات و عدم حصول نتیجه منجر می شود.


### ۲-۳- میزان تحصیلات دانشگاهی

بیکاری جامعه جوان و تحصیل کرده کشور به یکی از دغدغه ها و معضل های مهم کشور تبدیل شده است. طی دو دهه گذشته، به طور کاملاً استثنایی، بیشترین میزان افزایش جمعیت در سن کار و کمترین میزان اشتغال به طور همزمان اتفاق افتاده است. با این وجود، افزایش قابل ملاحظه ای در تعداد بیکاران و نرخ بیکاری بروز نکرده است. زیرا بخش مهمی از جمعیت در سن کار کشور غیرفعال مانده اند و به بازار کار وارد نشده اند. ۸۰ درصد از جمعیت شاغل کشور را افراد دارای تحصیلات غیردانشگاهی تشکیل می دهند و ۲۰ درصد جمعیت شاغل کشور دارای تحصیلات فوق دیپلم و بالاتر هستند. لذا همچنان ساختار بازار کار کشور به گونه ای است که فضا برای اشتغال افراد دارای تحصیلات عالی مناسب نیست و مشاغل موجود عمدتاً با نیروی کار غیر تحصیل کرده سازگار است. در حالی که یکی از ویژگی های جمعیت جوان در سال های اخیر، دارا بودن تحصیلات دانشگاهی است. تقاضای پایین اقتصاد برای دانش آموختگان آموزش عالی عمدتاً از ضعف عمومی اقتصادی ایران، دانش بری پایین فعالیت های اقتصادی ایران، سطح پایین فناوری، نوآوری کم و کارآفرینی اندک ناشی شده است. اشتغال پذیری پایین دانش آموختگان آموزش عالی عمدتاً از ضعف برنامه های آموزشی و عدم توانایی موسسات آموزش عالی

در توسعه توانایی یادگیری، خلاقیت و نوآوری دانشجویان ناشی می شود. دانش آموختگان آموزش عالی تنها در فعالیت های دانش بر می توانند اشتغال موثر داشته باشند. حال آن که میزان فعالیت های دانش و مبتنی بر دانش در اقتصاد ایران پایین است. همچنین بخش قابل توجهی از برنامه های درسی رشته های دانشگاهی نظری و عمومی است. جای برنامه هایی برای توسعه مهارت های اقتصادی و اجتماعی مانند ارتباطات موثر اجتماعی، کارآفرینی، کار گروهی، مدیریت، مسئولیت پذیری، حفاظت از محیط زیست و غیره خالی است. اگر بازارهای آموزش عالی و کار با یکدیگر هماهنگ باشند، مشکل بیکاری دانش آموختگان تا حدود زیادی برطرف می شود و مسائلی مانند عدم تطبیق شغل و رشته تحصیلی، آموزش بیش از اندازه و مهارت کمتر از اندازه کاهش می یابد. با توجه به ماهیت آموزش عالی، مانند طولانی بودن مدت زمان تحصیل، اطلاعات پایین عرضه کنندگان و تقاضا کنندگان از بازار کار، شایسته بودن خدمات آموزش عالی، تقاضای آموزش عالی به دلایل غیر اقتصادی (دستیابی به منزلت اجتماعی بالاتر، گریز از بیکاری و خدمت سربازی، دسترسی به محیط اجتماعی دانشگاه و علاقه به رشته تحصیلی) و منافع اجتماعی آموزش عالی، دو بازار یاد شده به طور خودکار هماهنگ نمی شوند، بلکه این وظیفه دولت است که این دو بازار را هماهنگ کند. لذا در سال های پیش رو علاوه بر این که کمیت شغل های ایجاد شده باید زیاد باشد، بلکه کیفیت یا نوع این شغل ها نیز مهم است. بدین معنی که اقتصاد ایران طی سال های آتی نیازمند فرصت های شغلی با تعداد زیاد و مناسب برای افراد دارای تحصیلات عالی است. بخش آموزش عالی در ایران به جای آن که در جهت افزایش سرمایه انسانی و در نتیجه افزایش بهره وری نیروی کار حرکت کند، بیکاران تحصیل کرده تری تولید کرده است که از این منظر نیز توجه به شرایط بازار کار و سیاست گذاری برای اصلاح وضع موجود حائز اهمیت است.

### ۳-۳- عملکرد دولت

عامل دیگر که عملکردی دوگانه در امر اشتغال دارد وجود دولت می باشد. از یک سو دولتی بودن ساختار اقتصادی کشور به معنای ضعف کارآفرینی در بخش های اقتصادی است که مستقیماً بر عدم تعادل میان عرضه و تقاضای کار و کاهش بازدهی اقتصادی و بهره وری نیروی کار تأثیر گذاشته است که نتیجه اولی اتلاف سرمایه انسانی و دومی اتلاف سرمایه اقتصادی و مالی و نتیجه نهایی هر دو از طریق فرایندی بازخوردی، ناکارآمدی نظام اقتصادی و همچنین شدت بخشیدن به نبود تعادل میان عرضه و تقاضای نیروی کار است. از سوی دیگر دولت می تواند موجب رونق اشتغال شده و با مداخلات به جای خود به خصوص در امر قانون گذاری منجر به بهبود فضای کسب و کار و رونق اشتغال گردد. به طور کلی دو انگیزه و نگرش در مداخله دولت ها در بازار کار وجود دارد:

کد مدرک: SCCIM-FR-009-00	<b>گزارش</b>	اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی شیراز 
تاریخ:		

اول آن که در کشورهای کمتر توسعه یافته به علت نبود نهادهای کارآمد و کامل، اتحادیه های کارگری یا ضعیف هستند یا شکل نگرفته اند. بنابراین دولت به منظور حمایت از نیروی کار (کارگر یا کارفرما) مستقیماً در بازار کار دخالت می نماید و قانون وضع می کند. همچنین در کشورهای کمتر توسعه یافته، به دلیل حجم عظیم دولت در اقتصاد، دولت ها به منظور رشد و توسعه اقتصادی و انسانی، برای حمایت و ایجاد فرصت های شغلی در بازار کار مداخله کرده و قانون و مقررات وضع می کنند.

#### الف) رویکرد حمایت از نیروی کار شاغل


در این رویکرد حمایت ها عمدتاً متوجه نیروی کار شاغل موجود است و سعی در افزایش قدرت خرید، توان چانه زنی و شرایط رفاهی آنها دارد. برخی مخالفین این حمایت ها معتقدند که این حمایت ها به هزینه عدم اشتغال نیروی کار بیکار موجود حاصل می شود. البته وجود موارد بسیاری از این حمایت ها در بازار کار ضروری است و حافظ حقوق انسانی افراد است. لذا معمولاً مخالفت های ذکر شده معطوف به برخی از حمایت هایی است که سبب انعطاف ناپذیری بازار کار می شوند.

مهم ترین موارد حمایت ها که در قوانین و مقررات ایران هم دیده می شوند عبارتند از:

- ۱- تعیین چارچوب قراردادهای کار (تعریف قرارداد، تعلیق قرارداد، خاتمه قرارداد و جبران خسارت از هر قبیل و پرداخت مزایای پایان کار)
- ۲- تعیین شرایط کار (حق السعی، مدت کار، تعطیلات و مرخصی ها، شرایط کار زنان و جوانان)،
- ۳- حفاظت فنی و بهداشت کار (کلیات و بازرسی کار)
- ۴- آموزش و اشتغال (کارآموز و مراکز کارآموزی و قراردادهای آن و اشتغال اتباع بیگانه)
- ۵- تشکل های کارگری و کارفرمایی، مذاکرات و پیمان های دسته جمعی کار، خدمات رفاهی، بیمه و بازنشستگی، حقوق و دستمزد و...

#### ب) رویکرد اشتغال زایی



کد مدرک: SCCIM-FR-009-00	<b>گزارش</b>	اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی شیراز
تاریخ:		

بخشی از سیاست ها و مقررات بازار کار به منظور حمایت از اشتغال زایی یا به عبارت دیگر ایجاد فرصت شغلی برای نیروی کار غیرشاغل فعلی است. این سیاست ها در کشورهای دارای نرخ بیکاری بالا نظیر ایران مورد توجه سیاست گذاران است. محورهای اصلی قوانین با رویکرد اشتغال زایی موارد زیر است:

- ۱- اختصاص تسهیلات و منابع مالی به بنگاه های اقتصادی،
- ۲- تعدیل مقررات اخذ مجوز و شروع کسب و کار،
- ۳- معافیت های مالیاتی، بیمه ای و عوارض جهت توسعه اشتغال،
- ۴- توسعه ظرفیت ها (کسب و کارهای بزرگ، کوچک و خانگی)
- ۵- کاهش هزینه های تولیدی و خدماتی بنگاه ها،
- ۶- افزایش بهره وری سرمایه و صرفه جویی در هزینه های جانبی اشتغال و افزایش درآمد شاغلین،
- ۷- ارتقای مدیریت کسب و کار، تسهیل مقررات و معافیت ها،
- ۸- برقراری پیوند بین دانشگاه و بازار کار.

عامل دیگر در افزایش بیکاری جامعه، پدیده چندشغلی بودن افراد است. پدیده چندشغلی بودن را، که به ویژه در دو دهه گذشته در نقاط شهری کشور گسترش یافته است، می توان پدیده ای کاملاً آسیب شناختی برای شرایط موجود کشور تلقی در اقتصاد پیشرفته شهری چندپیشگی به طور بی واسطه به کاهش بهره وری نیروی کار منجر می شود و دلالت دارد بر غصب همزمان بیش از یک فرصت شغلی توسط نیروی کار واحد یا همان چند پاره شدن توان و قابلیت عملیاتی نیروی کار از یک سو و از سوی دیگر محروم ماندن بخشی از نیروی فعال موجود جامعه از ایفای نقش شغلی و در نتیجه، افزایش مداوم تعداد بیکاران. این پدیده مستقیماً بر سطح تعادل عرضه و تقاضای نیروی کار در جامعه تأثیر می گذارد. چندپیشگی خود معلول نارسایی های ساختاری نظام کار و اشتغال و از جمله نامکفی بودن میزان درآمد در بسیاری از گروه های شغلی و گروه های فعالیت است.

#### ۴- نگاهی به بخش های مختلف اقتصادی

یکی دیگر از مهم ترین راهکارهای ایجاد اشتغال، شناسایی بخشهای اشتغال زا و هدایت سرمایه گذاری ها در مسیر آن است. همه بخش های اقتصادی کشور از میزان اشتغال زایی یکسانی برخوردار نیستند. برخی بخش ها دارای اشتغال زایی بیشتر و برخی دارای اشتغال زایی کمتری هستند. مثلاً در صورتی که یک میلیون دلار در بخش پوشاک و پتروشیمی سرمایه گذاری شود میزان اشتغال ایجاد شده در بخش پوشاک به مراتب بیش از اشتغال ایجاد شده در بخش پتروشیمی خواهد بود. همین منطبق در مورد بخش های اصلی اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات) نیز صادق است.

بخش کشاورزی یکی از بخش های اصلی فعالیت های اقتصادی است که با وجود مزیت های نسبی اقتصادی چشمگیر، از حیث توسعه اشتغال معمولاً بخشی فرو کاهنده و دارای محدودیت ارزیابی می شود. نگاهی به سهم اشتغال بخش کشاورزی در کشور نشان می دهد که طی چهار دهه گذشته سهم اشتغال بخش کشاورزی در کشور به طور قابل توجهی کاهش یافته است.


صنعتی شدن که از هم پاشیدگی جامعه های قدیم روستایی را به دنبال داشت، یکی از عوامل رشد سریع جمعیت بود. همزمان با رشد جمعیت، سیل مهاجرت های بزرگ از سوی روستاها به شهرها به وجود آمد. نیروهای جوان و فعال مهاجرت می کنند و آنها که می مانند نیروی کافی ندارند تا کشاورزی در روستا را رونق دهند. از سوی دیگر، مناطق شهری بزرگ هم برای پذیرش توده های نیروی روستایی روز به روز با مشکل بیشتری رو به رو می شود و در نتیجه افزایش بی رویه ی بیکاران شهری را در پی خواهد داشت و همچنین در شهرها امکانات اشتغال برای روستاییان وجود ندارد و امید دستیابی این افراد به سطح زندگی مورد انتظار، نیز روز به روز کمتر می شود. اگر در آغاز دوران صنعتی شدن و بر اساس تئوری های اولیه توسعه، بخش کشاورزی قربانی رشد بخش صنعت شناخته شده بود، این نگاه در شرایط کنونی در بسیاری از کشورها جایگاه خود را به رشد و توسعه هماهنگ تمامی بخش های اقتصادی بدون هیچ گونه تبعیض خاصی داده است. در واقع توسعه بخش کشاورزی منجر به توسعه صنعت و خدمات خواهد شد زیرا بخش کشاورزی می تواند به عنوان تامین کننده مواد اولیه بخش صنعت عمل کرده و به دنبال آن توسعه بخش های خدماتی این زنجیره تکمیل خواهد کرد.

از سوی دیگر صنعت نیز، یکی از مهم ترین عناصر و عوامل رشد و توسعه اقتصادی بوده و رشد و توسعه آن زمینه و امکان رشد و توسعه بخش های کشاورزی و خدمات را فراهم می کند. بنابراین بخش صنعت در تحولات اقتصادی کشور نقش کلیدی ایفا می کند و به واسطه اهمیتی که در ایجاد تقاضا و تأمین مواد اولیه، کالاهای واسطه ای و سرمایه ای با منشأ صنعتی برای بخش های مختلف اقتصاد دارد، می تواند به نقش کلیدی خود کفا عمل کند. جهت توسعه این بخش و افزایش اشتغال پایدار می توان با ایجاد ثبات اقتصادی از یک راهبرد رشد صنعتی پایدار پیروی نمود. همچنین تکمیل حلقه های مفقوده بخش صنعت و تقویت پیوندها بین فعالیت های صنعتی بزرگ و سرمایه بر و سایر صنایع به منظور سرریز کردن آثار رشد صنایع بزرگ به صنایع کوچک و اشتغال زا و رفع موانع تولید و احیای صنایع اشتغال زا و کاربر مانند صنایع نساجی از دیگر راهکارهای افزایش اشتغال در این بخش می باشد.

بخش خدمات از ارکان اساسی فعالیت های اقتصادی است. این بخش با ظهور شهرنشینی شکل می گیرد و با گسترش شهرنشینی پوشش وسیع تری می یابد. در حال حاضر سیاست گذاران اقتصادی در کشورهای در حال توسعه باید به این نکته توجه داشته باشند که دیگر نمی توان محورهای توسعه را تنها در بخش کشاورزی یا صنعت جستجو کرد، بلکه باید به کمک نوآوری های فنی، بخش خدمات را در فرایند توسعه اقتصادی در یک موقعیت استراتژیک قرار داد. با توجه به اینکه بخش کشاورزی و صنعت، تا حد زیادی به بخش خدمات وابسته است، لذا جذب نیروی انسانی بیکار در گرو توسعه بخش خدمات است. گسترش زیربخش های خدمات مانند: آموزش، بهداشت، حمل و نقل، انبارداری، بسته بندی، بیمه، مالی و بانکی، فروش و بازاریابی، توریسم، خدمات فنی-تخصصی، خدمات بازرگانی داخلی و خارجی از یک طرف با رفع موانع تولید در بخش های صنعت و کشاورزی موجبات رشد این بخش ها را فراهم خواهد کرد و از طرف دیگر با ایجاد فرصت های شغلی جدید موجبات کاهش بیکاری را فراهم خواهد کرد.

#### ۵- جمع بندی

آنچه که از بررسی اقتصاد ایران و بازار کار مشاهده می شود وضعیت نامطلوبی است که اگر به موقع و به درستی در جهت رفع این معضل سیاست گذاری نگردد، به یک غده سرطانی بسیار وخیم تبدیل شده که گریبان حکومت و کل جامعه، و نه فقط بیکاران، را خواهد گرفت. به طور خلاصه می توان گفت اتخاذ سیاست ها و خط مشی های صحیح اقتصادی، مدیریت و تخصیص بهینه منابع مالی، فیزیکی و انسانی مورد نیاز، سیاست های درآمدی و دستمزدی مطلوب، نرخ مناسب ارز و قیمت واقعی انرژی و... شرط لازم برای حل مسائل اقتصادی و مشکلات بازار کار کشور است. برای حل معضل اشتغال باید به

کد مدرک: SCCIM-FR-009-00	<b>گزارش</b>	اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی شیراز 
تاریخ:		

تولید اندیشید، اتخاذ مجموعه ای از سیاست های مالی، پولی و اعتباری که از انسجام و هماهنگی کافی برخوردار باشد نیز از شرایط اساسی است. همچنین انجام سرمایه گذاری با کارایی بالا، توجه به فعالیت های بخش خصوصی و تعاونی، ترویج و تقویت فرهنگ کار، تولید، کارآفرینی و استفاده از تولیدات داخلی به عنوان ارزش اسلامی و ملی با بهره گیری از نظام آموزشی و تبلیغی کشور ضروری است. به علاوه تاکید بر نقاط قوت و منابعی که ایجاد اشتغال را در کشور تسهیل می کند می تواند چاره گشای مشکل بیکاری باشد.

به طور خلاصه می توان گفت توجه به صنایع IT و گردشگری و نقش آن در اشتغال، جایگزین کردن نیروهای بومی به جای نیروهای خارجی، جذب سرمایه خارجی، صنایع دریایی و کشتی سازی، طرح های بزرگ جنگل کاری و کشاورزی، آموزش نیروی انسانی متخصص، ماهر و کارآمد متناسب با نیازهای بازار کار (فعلی و آتی) و ارتقاء توان کارآفرینی با مسؤولیت نظام آموزشی کشور، ایجاد فرصت های شغلی پایدار با تأکید بر استفاده از توسعه فناوری و اقتصاد دانش بنیان، بهبود محیط کسب و کار و ارتقاء شاخص های آن، جذب فناوری، سرمایه و منابع مالی، مبادله نیروی کار و دسترسی به بازارهای خارجی کالا و خدمات از طریق تعامل مؤثر و سازنده با کشورها، سازمان ها و ترتیبات منطقه ای و جهانی، جهت گیری های استراتژیک جهت ورود به بازار جهانی، اصلاح قوانین حوزه بازار کار، ایجاد پایگاه اطلاعاتی جامع و کارآمد در حوزه بازار کار و ... مهم ترین سیاست های لازم در جهت بهبود بازار کار و برقراری عرضه و تقاضا در این بازار می باشد.


## ۶- منابع

اشتغال و اشتغال زایی در اقتصاد ایران «مفاهیم، دلالت ها، و سیاست های مرتبط»، مرکز پژوهش های مجلس، دفتر مطالعات اقتصادی، خرداد ماه ۱۳۹۰.

الگوی راهبردی حمایت از تولید- محیط اقتصاد کلان، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی، تیر ماه ۱۳۹۵.

بسته سیاستی - اجرایی توسعه اشتغال پایدار، دبیرخانه شورای عالی اشتغال، اسفند ۱۳۹۲.

با نمایندگان در مجلس دهم، بیکاری، اشتغال و بازار کار، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی، شهریور ماه ۱۳۹۵.

کد مدرک: SCCIM-FR-009-00	گزارش	اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی شیراز 
تاریخ:		

تحلیلی بر چالش های اشتغال دانش آموختگان دانشگاهی، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اجتماعی، بهمن ۱۳۹۳.

رشد صنعتی و چالش اشتغال در اقتصاد ایران- مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی- دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن- اردیبهشت ۱۳۹۵

زاهدی مازندرانی، محمد جواد(۱۳۸۳)، ضرورت های کارکردی توسعه اشتغال در بخش کشاورزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوازدهم، شماره 45.

غفاری فرد، محمد (۱۳۹۵)، شناسایی بخش های اقتصادی محرک ایجاد اشتغال در استان های مختلف ایران و چشم انداز آن (رهیافت انتقال - سهم)، فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی، سال چهارم، شماره 14، صفحات ۳۲-۷.

کشاورز حداد، غلامرضا(۱۳۸۳)، ارزیابی پتانسیل های اشتغال زایی بخش های مختلف اقتصاد ایران، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۱۸، صفحات ۵۶-۳۹.